

# همیشه با ما

## فرمانده بدون مرز

چند برش از زندگی سردار محمدهادی حاجر حیمی که سال گذشته در کنسولگری ایران در سوریه به شهادت رسید

گزارش

الناز عباسیان روزنامه‌نگار

فروردین‌ماه سال گذشته در حمله موشکی رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، سرداران مدافع حرم سرتیپ محمدرضا زاهدی و سرتیپ محمدهادی حاجر حیمی و ۵ نفر از افسران همراه آنان به شهادت رسیدند. شهید حاجر حیمی از فرماندهان دوران ۸ سال جنگ تحمیلی بود که در لشکر ۱۰ سیدالشهدای تهران رشادت‌های زیادی از خود نشان داد. او از سال ۱۳۵۹ در کسوت مربی و از یادگان امام حسین(ع) کار خود را آغاز کرد و رفته‌رفته مسیر تعالی و تحول را طی کرد تا اینکه به فرماندهی یکی از مهم‌ترین رده‌های نیروی قدس سپاه یعنی یگان نیروهای مخصوص امام‌علی(ع) رسید و مبدأ تحولات بسیاری در این یگان و در پرورش رزمندگان جبهه مقاومت شد. در سال‌وز آسمانی شدن این فرمانده سراغ خانواده او رقیتم تا بیشتر با ویژگی‌های اخلاقی این مرد مبارز آشنا شویم.

از ازدواج با او پشیمان نشدم

در سال‌های جنگ حاجی اغلب جبهه‌بود و بعد از جنگ هم در ماموریت‌های برون مرزی و داخلی حضور داشت. به همین خاطر سستی‌های زیادی کشیدم و از دوری‌اش گریه می‌کردم. گاهی حتی با مادر همسرم – که همین چند روز پیش در نخستین سالگرد آسمانی‌شدن حاجی به رحمت خدا رفت – گریه می‌کردیم. اما هیچ‌وقت لب به گلایه باز نکردم و از ازدواج با او پشیمان نشدم. البته محمدهادی هم وقتی می‌آمد خانه آن قدر محبت می‌کرد و خوش اخلاق بود که جبران نبودن‌هایش می‌شد. ساد‌ن‌یست بود و کمتر برای خودش خرید می‌کرد. در عوض برای خانواده و اطرافیان کم نمی‌گذاشت. کارگشا بود و اهل وساطت. عمر و جوانی‌اش را فدای این نظام و اسلام کرده بود. از خواب، استراحت و سلامتی‌اش گذشت، به‌خاطر جانبازی، هم معده‌در داشت و هم دائم گوشش صدا می‌داد. این اواخر سردردهای شدیدی هم داشت چون ترکش جامانده از جنگ، به‌سمت جای حساس سرش حرکت کرده بود و دارو مصرف می‌کرد اما عاشقانه دنبال کمک به مردم غزه بود.

عملیات وعده صادق تسلاپی برای دل ما بود

عملیات وعده صادق تسلاپی برای دل ما بود. محمدهادی خیلی دوست داشت اسرائیل را سر جای خود بنشانند؛ مخصوصاً بعد از شهادت مظلومانه سردار سلیمانی، همیشه می‌گفت: «باید به این اقدام آنها جواب گوینده می‌دادیم. نمی‌دانم چرا به اسرائیل حمله نمی‌کنیم؟» با عملیات وعده صادق خوشحال شدم که همسرم به خواسته قلبی‌اش رسید. از اینکه دل رهبر شاد شد ما هم شادیم، هر چه ایشان امر کند روی چشم ماست. خوشحالم که به خونخواهی حاجی و این شهدا به سمت سرزمین اشغالی موشک پرتاب شد. گاهی با خودم می‌گویم حاجی در بهترین زمان ممکن شهید شد، چون شهادت سیدحسن نصرالله، اسماعیل هنیه، یحیی سنوار و بزرگان جبهه مقاومت را ندید. اگر می‌دید، با توجه به فشار روحی و مشکلات جسمی‌ای که از روزهای جنگ در جانش به یادگار مانده بود دق می‌کرد.

● زهره سبز آبادی همسر شهید

پدر می‌گفت ما پشت میزی نیستیم

از دوران کودکی، پدر همواره در عملیات‌ها و مأموریت‌ها حضور داشت و ما به نوعی به این وضعیت عادت کرده بودیم. در سال‌های اخیر، تقریباً هر دو هفته یکبار به سوریه رفت‌وآمد داشت و حالا یک‌سال است که ما یک رفیق عزیز، دوست مهربان و پناهی بی‌نظیر را از دست داده‌ایم. از عاقبت‌بخیری او خوشحالی‌ام، تنها چیزی که از او بر گشت لباس‌های تکه‌تکه شده و خونین، انگشتی بی‌نگین و ساعتش بود. این انگشت را حاج قاسم به او هدیه داده بود. ساعت را هم محسن برای تولدش گرفته بود. به پدرم محسن وصیت کردم وقت خاکسپاری خودم، این لباس حاجی را داخل مزارم بگذارند، بی‌شک نجات‌بخش خواهد بود.

● محسن حاجر حیمی پسر شهید

۲

روزهای تلخ و شیرین غربت

حاجی دائم در رفت‌وآمد به سوریه و لبنان بود. تقریباً ۳ سال هم من و بچه‌ها به‌خاطر او به لبنان رفتیم. البته او در سوریه کار می‌کرد. هر روز صبح زود می‌رفت و شب برمی‌گشت. ما هم در یک کشور غریب، تنها می‌ماندیم. دخترم فاطمه ۸-۷ ساله و پسرم محسن ۱۳-۱۲ ساله بود. چون زبان عربی بلد نبودیم زندگی کردن در آنجا سخت بود. مخصوصاً اگر بچه‌ها مریض می‌شدند. در لبنان برق زیاد قطع می‌شد و گاز هم با کپسول تامین می‌شد. یادم هست کپسول گاز را از پله‌ها تا طبقه نهم می‌بردیم. خلاصه با تمام سختی‌ها، از اینکه همه کنار حاجی و در جبهه مقاومت بودیم حس خوبی داشتیم و آن سال‌ها از بهترین روزهای زندگی‌ام بود. دوست نداشتم با گلایه کردن و غر زدن پشت حاجی را خالی کنم.

۳

نسبت به مردم غزه احساس شرم می‌کرد

از بی‌دفاعی مردم فلسطین رنج می‌برد و بعد از طوفان الاقصی، احساساتش تغییر کرده بود. نمی‌توانست نسبت به شرایط مردم غزه بی‌تفاوت باشد. با اصرار ما غذا می‌خورد و می‌گفت: «چطور راحت باشم و غذا بخورم وقتی می‌بینم مردم غزه زیر آتش بمباران و در آن سرما آواره و داغدار شده‌اند.» تا اینکه ما هم داغدار شدیم. با اینکه با خانواده شهدا زیاد رفت‌وآمد داشتم اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم خودم همسر شهید شوم. بعد از شهادتش، تنها چیزی که از او برگشت لباس‌های تکه‌تکه شده و خونین، انگشتی بی‌نگین و ساعتش بود. این انگشت را حاج قاسم به او هدیه داده بود. ساعت را هم محسن برای تولدش گرفته بود. به پدرم محسن وصیت کردم وقت خاکسپاری خودم، این لباس حاجی را داخل مزارم بگذارند، بی‌شک نجات‌بخش خواهد بود.

خبرهای روز



ثبت‌نام امریه سربازی آغاز شد

سید جلیل حسینی، معاون آموزشی وزارت بهداشت: دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلی کارشناسی‌ارشد و دکتری دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی می‌توانند از تاریخ ۱۹ تا ۲۳ فروردین‌ماه با مراجعه به سامانه amriye.msrt.ir نسبت به ثبت‌نام و ارسال مدارک مورد نیاز برای امریه سربازی اقدام کنند.



تولید فیلم‌های جدید برای نوجوانان

حامد علامتی، مدیر عامل کانون پرورش فکری، تولید چندین عنوان فیلم برای نوجوانان در دستور کار قرار گرفته است. بخش عظیمی از درآمد ما با نگاه اقتصاد آموزشی از طریق کانون زبان است و بخش دیگری از درآمد ما از طریق فروش فیلم، انیمیشن و کتاب‌ها صورت می‌گیرد. کتاب «باغ کبائوش» در حال حاضر به چاپ ۴۱ سیده است. ضمن اینکه ما از ۶۱ ناشر، کتاب خریداری می‌کنیم که در هر نوبت کمتر از ۳ هزار کتاب نیست.

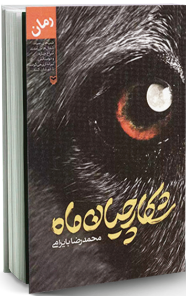


افتتاح مرکز آزمون تصادفات در سال جدید

سردار سید تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا: با توجه به آخرین خبرها از سازمان استاندارد، مرکز آزمون تصادف در کشور به‌زودی افتتاح خواهد شد و قرار است در خردادماه ۱۴۰۴ این مرکز در کشور راه‌اندازی شود. این اقدام به‌خودروسازان این امکان را می‌دهد که خودروها را پیش از ورود به بازار، تحت تست‌های سختگیرانه قرار دهند.

پیشنهاد آخر هفته

«شکار چیان‌ماه» وقایع هور و سال‌های جنگ



کتاب «شکار چیان‌ماه» نوشته محمدرضا بایرامی، روایتی از دوران جنگ ایران و عراق از منظر نگیان یک شرکت تعطیل‌شده در اطراف هور است که فضای مربوط به سال‌های پس از جنگ را روایت و در

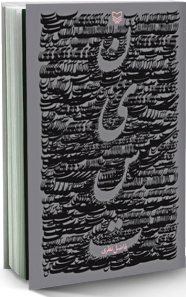
لایه لای قصه، وقایع دوران جنگ را هم بازگو می‌کند. شخصیت اصلی که صابر سلوکی نام دارد، اهل محله نازی‌آباد تهران و اصالتاً اهل شهرستان تاکستان از توابع استان قزوین است. در سال‌های ابتدایی جنگ پشت‌کنگوری بوده و یکی از دوستانش به نام یوسف به جبهه می‌رود؛ اما خیلی زود خبر شهادتش می‌رسد و این موضوع بر صابر تأثیر زیادی می‌گذارد. او هنگام نگهبانی از یک شرکت تعطیل‌شده در اطراف هور، وضعیت آن منطقه در دوران جنگ را روایت می‌کند. داستان در قالب سوم‌شخصی است و بخش زیادی از آن مربوط به فضای ذهنی و افکار صابر است.

محمدرضا بایرامی که از نویسندگان صاحب‌سبک و پیشکسوت ادبیات دفاع مقدس به حساب می‌آید، در رمان جدید خود؛ «شکار چیان‌ماه» به سراغ رزمده‌های رفته‌است که به‌رغم پایان نبردها و گذشت چند دهه از پایان جنگ تحمیلی، هنوز دل در گرو آن ایام دارد و پیوند خاطراتش او را به جایی کشانده که روزگاری محل حماسه‌های رزمندگان در دوران دفاع مقدس بوده است. صابر در هین چند پاره‌ای دارد؛ از یک سو آمده است به عنوان نگهبان یک مکان دور افتاده انجام وظیفه کند و از سوی دیگر، نشانه‌هایی در آن مکان دور افتاده می‌بیند و حوادث و اتفاق‌هایی از گذشته در ذهنش تداعی می‌شود که او را از زمان و مکان فعلی جدا می‌کند و به گذشته‌های نه چندان دور می‌برد که همراه سایر دوستان رزمنده در عملیات‌های نظامی آن دوران حضور و نقش مؤثری داشته‌اند.

منطقه هور که حالا بر اثر اتفاق‌ها و بحران‌های زیست محیطی به یک منطقه خشک و بدون آب و علف تبدیل‌شده، در ذهن و خاطرات صابر، جایی است که زمانی مملو از آب و نیزارهای وسیعی بوده و رزمندگان دوران دفاع مقدس برخی فعالیت‌های اطلاعاتی- نظامی و حتی عملیات‌های جنگی را در میان نیزارهای این منطقه به انجام رسانده‌اند.

«نیست» جدید ترین

مجموعه شعر فاضل نظری



کتاب «نیست» جدید ترین مجموعه شعر فاضل نظری، شاعر نام‌آشنای معاصر است که اخیراً منتشر شده و در مدت یک‌ماه به چاپ

ششم رسیده است.

اثر منظوم، هشتمین کتاب شعر فاضل

نظری محسوب می‌شود که مانند آثار قبلی شاعر مورد استقبال مخاطبان آغارش قرار گرفته است. این مجموعه شعر، شامل ۴۱ غزل از تازه‌ترین سروده‌های این هنرمند با مضامین عاشقانه و اجتماعی است. در کتاب «نیست» شاعر با تکیه بر بیان موجز، زبان آهنگین و تصاویر بدیع، مفاهیم والایی از عشق، رنج، فراق و امید را به تصویر کشیده است. اشعار فاضل نظری در این مجموعه همانند آثار قبلی‌اش، از پیچیدگی‌ها دور نگه داشته شده و نیازی به شرح و بسط اضافی ندارند؛ ویژگی‌ای که سبب محبوبیت اشعار او میان مخاطبان شده است.

در یکی از غزل‌های کتاب «نیست» می‌خوانیم: «وقات تلخ و وضع خراب و هوا پس است/ من تاب قهر یار ندارم بگو بس است/ رعنا بیتی که آب گل آفرینشش/ از چشمه‌ای مبارک و خاکی مقدس است/ ای جان یـر لب آمده لب‌های دوست را/ آرام‌تر بپوس که این غنچه نورس است/ آشفته‌خاطرش مکن ای پیک و بازگرد/ حتی مگو که نامه به خط فلان‌کس است/ زندانی امیدم و می‌دانم این قفس/ هر قدر هم بزرگ شود باز محبس است/ لازم نبود نام خود را بیاوری/ فاضل همین که شعر تو را بشنود بس است»

اکثر اشعار فاضل نظری مخاطبانی در هر دو گروه عام و خاص دارد و سروده‌هایش در بین اقشار مختلف مردم محبوب است. تمایل به کوتاه‌سرای سبب بیشتر خوانده‌شدن شعرهایش شده و این امر بر میزان محبوبیت آثارش افزوده است. پیش از این، هفت عنوان کتاب با نام‌های «گریه‌های امپراتور» (۱۳۸۳)، «قلبت» (۱۳۸۵)، «آن‌ها» (۱۳۸۸)، «صد» (۱۳۹۲)، «کتاب» (۱۳۹۵)، «کئون» (۱۳۹۷) و «چود» (۱۴۰۰) از این شاعر منتشر شده است. کتاب جدید «نیست» در ۸۸ صفحه و بهای ۱۷۵ هزار تومان از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.